

جنگ تمام‌عیار و دیپلماسی گسترده



کیومرث اشرفیان

«اگر می‌توانی بزن، اگر نمی‌توانی، صبر و پایداری کن. و اسیر هیجان نشو». این یک منطق کلی و قابل قبول در جنگ است. واقعیت این است که جهان غرب یکبار چه پشت جنایات اسرائیل ایستاده است. اروپا به دلیل ضعف استراتژیک خود مجبور است که به حمایت آمریکا از رژیم آپارتاید رضایت دهد. همه فناوری‌های پیشرفته هم در خدمت آپارتاید نوین است. در حالی که اسرائیل تلاش می‌کند که ایران را به سوی یک جنگ تمام‌عیار بکشاند، ایران هم‌زمان دو راه پیش‌رو دارد. اولاً، فناوری تسلیحاتی خود را توسعه دهد؛ چون برای کشوری با موقعیت ایران، با هر تحلیلی از وضعیت روابط بین‌الملل، نمی‌توان از ضرورت قدرت اجتناب کرد. البته اینکه چه استراتژی‌ها و سیاست‌های تسلیحاتی در پیش بگیریم، خود محل بحث فراوان است. ثانیاً، و از آنجا که قدرت کفایت نمی‌کند، باید «دیپلماسی گسترده» با جهان را در پیش بگیرد. برخی از روش‌های دیپلماتیک جواب نداده است. باید راهی دیگر در پیش گرفت. دیپلماسی صرفاً شماری سفیر و کاردار و کارمند که در سفارتخانه‌ها مستقرند، نیست. دیپلماسی صرفاً چانه‌زنی یا اتکا به قدرت نظامی هم نیست. کشورهای کم‌قدرت‌تر نمی‌توانند معضلات بزرگ بین‌المللی خود را تنها از راه قدرت نظامی رفع و رجوع کنند. در این راستا، یک راه‌حل برای سیاست خارجی ایران این است که مذاکرات خود با آمریکا را با محوریت اروپا در قالب یک «دیپلماسی گسترده» سامان دهد و مذاکرات دوجانبه ایران و آمریکا با محوریت فرانسه و/یا آلمان آغاز شود. این می‌تواند پیامدهای مناسبی داشته باشد. اولاً، راه‌حل بینابینی برای سیاست ایران مبنی بر عدم مذاکره مستقیم با آمریکا است. واسطه‌گری متعادلانه کشورهای منطقه از جمله عمان یا عراق ظرفیت دیپلماتیک برای توسعه راه‌حل‌ها ندارد. ثانیاً، با مذاکرات در اروپا حتی اگر طولانی شود، «امنیتی‌سازی» از چهره جمهوری اسلامی در یک مرکز مهم دیپلماسی جهانی کاهش می‌یابد. در افکار عمومی، این تبلیغات که ایران یک کشور «نرمال» نیست، تا حد زیادی خنثی می‌شود. ثانیاً، و مهم‌تر از آن در حاشیه این مذاکرات امکان «بازاری بدون توپ» برای سه کشور ایران، فرانسه و آلمان بیشتر می‌شود. یعنی زمینه‌های دیپلماسی غیرآمریکایی فارغ از موضوع هسته‌ای و برای توسعه روابط سه‌جانبه افزایش می‌یابد. تدریجی بودن، امنیتی‌زدایی از چهره کشور و موازنه مثبت اقتصاد بین‌الملل از جمله راهبردهای اصلی دیپلماسی است. واقعیت این است که ما راه‌های نینموده زیادی داریم و بلکه گاه تحت تأثیر گروه‌های خودسرها معکوسی پیموده‌ایم. دیپلماسی، کشودن راه‌ها از طریق ایجاد روزه برای توسعه فرصت‌هاست. از سوی دیگر، دیپلماسی از درون آغاز می‌شود؛ یعنی نیروهای که در سیاست داخلی فعال‌اند و نوع تعاملی که با مردم خویش و با نیروی انسانی ملی خود در پیش می‌گیرند، آغاز سیاست خارجی و دیپلماتیک شمایست. این راهی است که دولت چهاردهم آغاز کرده است. دیپلماسی در درجه نخست یک اتحاد ملی از درون و یک فرآیند تدریجی قدرت‌افزایی ملی است که از پایین‌ترین لایه‌های ارتباطات داخلی و بین‌المللی آغاز می‌شود و در بالاترین سطوح ادامه می‌یابد. اینک می‌توان به فرصت‌های جدیدی که فراهم شده است، اندیشید.

در مقابل، اما شماری در درون هستند که به اتکای قدرت رسانه‌ای از حمله‌سرابی‌هایی که برای هر کشوری لازم است، یا را فراتر نهاده و در نقش گروه فشار ظاهر شده و به مقامات ارشد کشور فشار می‌آورند. بعضاً در صداوسیما و در شبکه‌هایی خاص «حماسه‌نمایی» می‌کنند و آن‌گاه که «سسانه نظام» آنان را تحمل نمی‌کند، به رسانه‌های خارج‌نشین روی می‌آورند و به اتحاد با چپ افراطی مارکسیستی گرایش پیدا کرده‌اند. اگر سری به اظهارات آنان در شبکه‌های اجتماعی بزنید، خودتجقیری ناشی از عدم ورود در جنگ تمام‌عیار با اسرائیل در آن موج می‌زند. گویی موفقیت را تنها پیروزی در تاکتیک‌ها می‌بینند و نه در استراتژی‌های بلندمدت. همچون طرفداران هیجان‌زده یک تیم فوتبال انتظار دارند همواره و در تمام مراحل مسابقات همیشه پیروز شوند. تحمل ندارند که حتی یک گل هم بخورند. شکست تاکتیکی برای آنان فاجعه‌بار است و به‌سرعت روحیه خود را می‌بازند. به همین سان، شکست در استراتژی‌ها آنان را دچار افسردگی روانی و بحران نظری می‌کند. جهان سیاست، جهان پیروزی‌ها و شکست‌های بزرگ است. مهم این است که در پیروزی و در شکست مغرور یا مایوس نشوید. مهم این است که باورهای اصیل خود را در شکست‌ها از دست ندهید و از درون فروپاشید.

یکشنبه ۱ مهر ۱۴۰۳
۱۸ ربیع‌الاول ۱۴۴۶
۲۲ سپتامبر ۲۰۲۴
سال بیست‌ویکم
شماره ۴۹۲۹
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه



در «شرق» امروز می‌خوانید: رئیس‌جمهور عازم نیویورک شد؛ پیام پزشک‌یان به غرب چه خواهد بود؟ • چوبک و نیمه تاریک تجدد آمرانه و یادداشت‌هایی از: مهدی زارع، حسین معافی

ترکم‌نستان، افغانستان، پاکستان و هند جایگزینی خط لوله تاپی با خط لوله صلح ایران را کلید زدند

کورس ترانزیت در منطقه



این گزارش در صفحه ۲ بخوانید. عکس: پانگاکا، اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری

رهبر انقلاب در دیدار مسئولان نظام، سفرای کشورهای اسلامی و میهمانان کنفرانس وحدت تبیین کردند

امت‌سازی؛ مهم‌ترین درس پیامبر اسلام (ص)

برگزیده‌ها

نگاهی به آخرین تحولات لبنان از محکومیت جنگ‌افروزی اسرائیل تا تشکیل جلسه شورای امنیت سازمان ملل

محکومیت چرخه جنایت تل‌آویو

گزارش تینریک را در صفحه ۴ بخوانید

ملاقات سیاسی ورزشکاران با رؤسای جمهور

بررسی اخراج استادان نخبه کشور

مورد عجیب دانشگاه فردوسی

گزارش «شرق» به مناسبت شروع سال تحصیلی از افزایش تعداد کودکان محروم از تحصیل ایران

کودکان بی آینده

نگاه

چرا دولتمردان به نظرات برنامه‌ای توجه نمی‌کنند؟

یادداشتی از مراد راهداری

جشن اومانیت: نوستالژی، فرهنگ و سیاست

یادداشتی از مریم رحمانیان

یادداشت

اولین مصاحبه رئیس‌جمهور چالش‌ها و تدابیر



کیکاووس بورجوبی

مصاحبه اخیر رئیس‌جمهور با اصحاب رسانه و مطبوعات، مملو از نکات، ابی‌ها و نپایداری بود که به منظور آرامش ملی و ایجاد اعتماد و امید به جامعه بوروکراسی‌زده شده و در سیستمی پیچیده، تاروپود آن در هم تنیده شده است. در همان نهادی که ایشان فرمان اجرایی کشور را صادر می‌کنند، ابوهی از کارکنانی حضور دارند که می‌توان با جمعیت کوچکی از آن همان بوروکراسی و کارها را چه‌بسا با کارایی بهتری اداره و هدایت کرد. این کارکنان محترم که از بیت‌المال ارتزاق می‌کنند، درحالی‌که باید در بخش خصوصی فعالیت داشته باشند و در کارخانه‌ها و شرکت‌های تولیدی و خدمات سرمایه‌عظیمی برای کشور به دست آورند، اکنون بیش از ظرفیت لازم در دستگاه‌های دولتی جذب شده‌اند. رئیس‌جمهور رک و صریح مشکلات را بر زبان آورد، اما برای حل حتی ثلثی از آنان با موانع بسیاری مواجه است. آیا می‌توان برای کلان‌شهری مانند تهران در سیستم آب، انرژی، جمعیت، هوا، زمین و... که دارای مشکلات اساسی است، چاره‌اندیشی کرد و راه‌حلی پذیرفتنی پیدا کرد؟ آیا می‌توان برای آبربحران‌های محیط زیست، ناترازی و بحران انرژی به‌ویژه بنزین و دلاری که صرف واردات آن می‌شود و سپس دود می‌شود و شهرها و روستاها را آلوده می‌کند، راه‌حل پیدا کرد؟ آیا می‌توان مشکل فقر و شکاف طبقاتی و تورم افسارگسیخته، کسری عمیق بودجه، ناترازی صندوق‌های بازنشستگی و فیلترینگ فضای مجازی را حل کرد؟ ما منابع داریم و بسیار زیاد هم داریم، اما تبدیل آن از انرژی‌های اولیه در بالقوه به باقلع‌ل راهبردی است که حتی اتخاذ آن مقادری دیر شده است.

یادداشت

رؤیای مسکن ارزان تحقق‌یافتنی است



ناصر ذاکری

کارشناس اقتصادی

این حال دولت وقت راهی نادرست را برای این هدف برگزید: احداث ساختمان‌های فاقد کیفیت و کم‌هزینه آن‌هم در حاشیه شهرها و دور از مرکز شهر. این شیوه از یک سو متوسط عمر مفید ساختمان‌های کشور را به طرز محسوسی کاهش داد که اثر اصلی آن در طول دو دهه آینده و به صورت خروج گسترده ساختمان‌های مسکونی از مجموعه بناهای قابل سکونت خود را نشان خواهد داد، و از سوی دیگر با تحمل هزینه‌های فراوان به ساکنان از جمله هزینه رفت‌وآمد، عملاً به مرغوبیت واحدهای مسکونی مراکز شهر افزود و به بیان دقیق‌تر نتوانست به هدف تحقق رؤیای مسکن ارزان کمک کند. تصویب قانون ساماندهی بازار زمین و مسکن که در صورت اجرای بدون تنازل می‌تواند تا حدودی مانع رشد لجام‌گسیخته اجاره‌بهای مسکن بشود، بی‌تردید گامی در مسیر کاهش قیمت مسکن است، زیرا با کاهش درآمد انتظاری موجران، انگیزه سفته‌بازان را برای تداوم حضور در بازار مسکن کاهش می‌دهد. اما قدرت تأثیرگذاری آن بسیار اندک بوده و نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیاز امروز اقتصاد ملی باشد. با عنایت به آنچه گذشت، تنها راه ممکن برای تحقق رؤیای مسکن ارزان‌قیمت همراه با رعایت مصالح اجتماعی، بازگشت از مسیری است که زمین شهری و مسکن را به کالای تجاری به‌اصطلاح سهل‌البیع تبدیل کرده است.

یادداشت

آیا غرب با توسعه ایران مخالف است؟



فریدون مجلسی

روس‌ها خط لوله انتقال گاز ایران به شوروی را ساختند. سایت اصفهان را آمایش کردند. کارخانه ذوب آهن را ساختند. خطوط ریلی از معادن سنگ آهن گل‌گهر کرمان و زغال طیس به سایت ساخته شد. در ساخت خط لوله گاز هزاران تکنسین و جوشکار تربیت شد. شهر کارگری همایون‌شهر (پودانشهر کنونی) ساخته و کارخانه با ظرفیت اسمی فقط یک میلیون تن فولاد به روش کوره‌بلند ساخته شد. خط لوله گاز به شوروی قبلاً آماده شده بود. کارخانه افتتاح شد. هزینه؟! هزینه آن از محل فروش گازی که در مشعل‌ها در سر چاه‌های نفت می‌سوخت، تسویه شد. از محل بودجه متعارف ایران نبود! با کدام شرکت یا کشور غربی می‌شد و امکان‌پذیر بود که چنین پروژه‌ای عملاً رایگان اجرا شود؟ همین غربی‌ها (شرکت ایتالیایی) وقتی زمینه آماده شد، قرارداد ذوب آهن مدرن احیای مستقیم با گاز متان را برای نصب در سایت بندرعباس ساختند و حمل کردند. چرا بعد از انقلاب ماشین‌آلات را از بندرعباس به اصفهان منتقل کردند؟ عقل‌شان نمی‌رسید؟ هنوز اغلب کارشناسان قدیمی که سرکار بودند! دلایلش این بود که در اصفهان زیرساخت‌ها و نیروی انسانی باتجربه برای کار فوری آماده بود! آقایان عالی‌جناب وزیر اسبق و موفق اقتصاد و حتی محمد یکانه رئیس اسبق با دانش و تجربه بانک مرکزی ایران هم اگر بعداً در تاریخ شفاهی خلاف این گفته‌اند، ناشی از فراموشی است! اینکه غربی‌ها نمی‌خواستند ما صنعتی شویم، افسانه ناشی از توهم توطئه قدیمی ایرانی و نیز تبلیغاتی شوروی بوده است که البته در پروژه اصفهان کمک خوبی به ما کردند و منتفع شدند و منتفع شدیم! آن کمک آغاز تمرکز صنعتی و نیروی انسانی و انتقال جمعیت از روستا به شهر را فراهم کرد که وقتی برنامه شتاب‌زده توسعه اقتصادی شاه با بن‌بست‌های تورم‌آفرین مواجه شد، سهم بزرگی هم در شکل‌گیری انقلاب داشت. بقیه پروژه‌های توسعه صنعتی در اهواز، تهران، بوشهر و پتروشیمی همه توسط غربی‌ها انجام شد! چرا غربی‌ها با توسعه ترکیه مخالف نبودند؟ چرا با کره جنوبی، تایوان و مالزی مخالف نبودند؟ و چرا اکنون با توسعه شتابان اندونزی، تایلند و عربستان مخالف نیستند؟ آیا فقط با توسعه ما مخالف‌اند؟ آن‌هم در زمانی که آن رقابت ایدئولوژیک سلطه‌طلبی مارکسیستی شوروی و چین هم دیگر مطرح نیست. چین خودش دومین قدرت اقتصادی جهان و بزرگ‌ترین بازرگر تجارت بین‌المللی است و در روابط خارجی خود نیز نه به غرب می‌اندیشد و نه به روسیه.

افزایش غیرمتعارف قیمت مسکن در دهه‌های اخیر داشتن مسکن را برای اقشار کم‌درآمد جامعه به رؤیایی دست‌یافتنی تبدیل کرده است. دولتمردان نیز در طول این دوره برنامه‌هایی برای کاستن از ابعاد بحران تدوین و اجرا کرده‌اند. اما اجرای این برنامه‌ها هرگز دست‌آور رضایت‌بخشی نداشته است. آیا ممکن است قیمت مسکن تا سطحی کاهش یابد که نیازمندان واقعی توانایی تأمین آن را داشته باشند و دوره انتظار برای خانه‌دارشدن که اینک عددی سررغمی است، با دیگر به سطحی معقول و هم‌تراز با روند جهانی آن کاهش یابد؟ پس چرا برنامه‌های مسئولان کمکی به تحقق آن نکرده است؟ در سه دهه گذشته هرچند افزایش قیمت مصالح ساختمانی و دستمزدها در روند افزایشی قیمت مسکن مؤثر بوده، اما نقش عمده برعهده عامل قیمت زمین بوده است، به گونه‌ای که حتی می‌توان اثر عامل اول را نادیده انگاشت. با این حال بخش عمده تلاش‌های دولتمردان در مسیری بوده که هرگز نمی‌توانسته تأثیر منفی بر روند افزایشی قیمت زمین بگذارد. به‌عنوان نمونه افزایش سقف وام مسکن مناسب با افزایش قیمت مسکن، هرچند از جنبه نظری سیاستی موجه است، اما فاقد هر نوع اثر کاهشی بر قیمت زمین است. از سوی دیگر شیوه ناکارآمد توزیع و اعطای تسهیلات همواره شرایطی را فراهم آورده که بخش مهمی از این منابع به جای اینکه به نیازمندان واقعی مسکن تعلق یابد، در اختیار سفته‌بازان و «سرمایه‌گذاران» بازار مسکن قرار بگیرد، همان‌ها که قصدشان از خرید مسکن نه سکونت در آن، بلکه عرضه در

بسیاری از ایرانیان در یک دیدگاه درباره توطئه ضدایرانی اتفاق نظر دارند؛ این‌طرفی‌ها معتقدند که غرب مانع توسعه ایران است تا بتواند کمک‌ها را بگیرد و منابع ما را به غارت برد و ارباب باشد، آن‌طرفی‌ها معتقدند غرب به توسعه ایران حسادت می‌کند و از پیشرفت‌های ما نگران بود. بنابراین کافه را به هم ریختند تا بتوانند بدون مزاحم سواری بگیرند و منابع ما را به غارت برند و ارباب باشند. کمونیست‌ها هم که رفا غریب را گواهی بر اعتباری نسخه پیچیده‌شده مارکس در راه خلق می‌بینند، به هر بهانه‌ای غرب‌ستیزی را راهگشای تبلیغات خود می‌انگاشتند و می‌انگازند و مشوق این‌گونه توهمات بوده‌اند. در واقع در دنیا واقعی، مصادیق برخلاف این توهم توطئه‌اند. مثلاً ارتقای کره جنوبی رهیده از جنگ داخلی و فقر مطلق به یکی از توسعه‌یافته‌ترین کشورهای جهان فقط بازار نروتمندتر و سودآورتری برای تبادل و تجارت به جهان و خصوصاً غرب پدید آورده است. پیش از آن ژاپن بود و آلمان غربی و پس از آن تایوان، ترکیه، چین و مالزی و سپس تایلند و اکنون هند، عربستان، اندونزی و امارات. یعنی آیا در این جهان فقط کینه ایران را که از منابع طبیعی متنوع‌تر و بیشتری هم بهره‌مند است، در دل داشته‌اند و مردم ایران را گریزان و اقتصادمان را ویران کرده‌اند؟ ما از اواخر قاجار به داشتن ذوب آهن به‌عنوان ابزار تولید و توسعه صنعتی از دید حیثیتی می‌نگریستیم و حامیان غربی ایران در مراجعات ما اجرای چنین پروژه‌ای را از دیدگاه اقتصادی «امکان‌سنجی» می‌کردند و پاسخ منفی می‌دادند. هزینه ساخت یک صنعت ذوب آهن قدیمی کوره‌بلند و قیمت تمام‌شده آهن آن که مستلزم شهرسازی، احداث خط آهن برای انتقال سنگ آهن و زغال‌سنگ، کشیدن خط لوله انتقال نفت، ساخت کارخانه برق، تربیت کادر در ایران و خارج و ساخت شهر صنعتی بود، از دید غربی‌ها اولویت نداشت. دیدگاه حاکمیت و دولت ایران فرقی نمی‌کرد و حق داشتند! یعنی برای حرکت توسعه باید در هر حال شهرسازی صنعتی، احداث خطوط ریلی، خطوط لوله انتقال نفت و کارخانه برق و تربیت کادر به‌عنوان هزینه زیربنایی انجام می‌شد و آن هزینه‌ها از لحاظ ملی نباید در «امکان‌سنجی» تولید به حساب هزینه پروژه گذاشته می‌شد! از دید علمی مهندس مشاور غربی، این هزینه‌ها تولید را گران می‌کرد و نزد کارفرما موجب شرمساری می‌شد.

اما چرا با روس‌ها امکان‌پذیر شد؟ زیرا برای ایران هزینه نداشت! روس‌ها در آن زمان نیاز منطقه‌ای و فروش مازاد گاز خودشان، نیاز به گاز طبیعی داشتند و ایران کار خود را که در آن زمان مشتری نداشت، در مشعل‌های نفتی می‌سوزاند.